

# هنر سریع خوانی

نویسنده:

ابراهیم السکران

ترجمه:

احمد معینی

هنر سریع خوانی	عنوان کتاب:
	عنوان اصلی:
ابراهیم السکران	تألیف:
احمد معینی	ترجمه:
حدیث و سنت	موضوع:
اول (دیجیتال)	نوبت انتشار:
خرداد (جوزا) ۱۳۹۸ ه.ش - شوال ۱۴۴۰ ه.ق	تاریخ انتشار:
www.binesh.cc مرکز مطالعات اسلامی بینش	منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه قلم دانلود شده است.

[www.qalamlib.com](http://www.qalamlib.com)

[book@qalamlib.com](mailto:book@qalamlib.com)

ایمیل:

### سایت‌های مجموعه موحدین

[www.qalamlib.com](http://www.qalamlib.com)

[www.mowahedin.com](http://www.mowahedin.com)

[www.islamtxt.com](http://www.islamtxt.com)

[www.videofarsi.com](http://www.videofarsi.com)

[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)

[www.zekr.tv](http://www.zekr.tv)

[www.sadaiislam.com](http://www.sadaiislam.com)

[www.mowahed.com](http://www.mowahed.com)



[contact@mowahedin.com](mailto:contact@mowahedin.com)

محتوای این کتاب لزوماً بیانگر دیدگاه سایت کتابخانه قلم نمی‌باشد؛ بلکه بیانگر دیدگاه نویسنده آن است.

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

شاید متوجه شده‌اید که هرگاه زنگ تعطیلات تابستانی به صدا درمی‌آید تعداد زیادی از جوانان عزم بر قرائت و اطلاع از علوم می‌کنند و حتی عده‌ای برای خود جدولی تهیه کرده و کتاب‌هایی را برای خواندن تعیین می‌کنند و برخی نیز از اهل تخصص برای انتخاب این کتاب‌ها نظرخواهی می‌کنند.

در حقیقت به طور مختصر می‌شود گفت یکی از مهم‌ترین سخنان در باب علم و قرائت و مطالعه این است که «کتاب‌های مفید بسیار است، عمر کوتاه است و مشغولیت‌ها بسیار». با تأمل در این معادله دانسته می‌شود که نمی‌توان از اندیشه درباره بهره بردن حداکثری از وقتِ مخصوص مطالعه گریخت.

از جمله ابزار بهره‌گیری از «وقت مطالعه» چیزی است که به آن «خوانش سریع» می‌گویند؛ یعنی مطالعه سریع کتاب به طوری که خواننده از خلال آن به چارچوب کتاب و سوال‌های اصلی و محتوای مسائل و تصورات کلی کتاب آگاهی یابد.

خواننده از طریق این مطالعه به این پی می‌برد که اولاً چقدر به این کتاب نیاز دارد، ثانیاً موضع نیاز او در این کتاب دقیقاً کجاست و در نتیجه وقتش را برای کتابی که ممکن است بعدها متوجه شود نیازی به خواندن یا مطالعه دقیقش نبوده هدر ندهد. یا آن‌که متوجه می‌شود تنها فلان فصل کتاب برای خواندن دقیق مناسب است. اینگونه موارد برای کسی که از همان اول

- بدون خوانش سریع - به مطالعه دقیق یک کتاب می‌پردازد آشکار نمی‌شود. «خوانش سریع» به مثابه یک خوانش اکتشافی است. البته منظور از خوانش سریع، «خوانش پراکنده» نیست بلکه «ورق زدن منظم» کتاب است. تفاوت بین ورق زدن پراکنده و منظم یکی از تمایزهای بسیار مهم در هنر مطالعه است که درباره‌اش خواهیم گفت.

غرض آن که وارد شدن به مطالعه تفصیلی یک کتاب پیش از فرایند خوانش سریع منظم، نوعی فریب شناختی است، همانند وارد شدن به سرزمینی ناشناخته بدون مراجعه به نقشه.

سریع‌خوانی - به همراه دیگر روش‌ها - یکی از انواع شایع خواندن نزد نیاکان ما بوده است. روش‌هایی مانند قرائت دقیق برای تصحیح و تامل و یادآوری یا حفظ و دیگر انواع. داستان‌هایی که درباره روش سریع‌خوانی از آنان نقل شده در کتب شرح حال فراوان آمده است، اما برخی از علما نمونه‌هایی از این سریع‌خوانی را به شکل ویژه یکجا کرده‌اند که از مهم‌ترین کسانی که فصل‌هایی را در جمع‌آوری این نمونه‌ها نگاشته مقری تلمسانی (متوفای ۱۰۴۱ هجری) در کتابش «فتح المتعال فی مدح النعال» و محبی (متوفای ۱۱۱۱ هجری) در کتابش «خلاصة الأثر فی أعیان القرن الحادی عشر» و جمال الدین قاسمی (متوفای ۱۳۳۲ هجری) در کتابش «قواعد التحديث من فنون مصطلح الحدیث» و عبدالحی کتانی (متوفای ۱۳۸۲ هجری) در کتاب «فهرس الفهارس والأثبات ومعجم المعاجم والمشیخات والمسلسلات» است.

مقری تلمسانی (م ۱۰۴۱ هجری) وقتی خبر خواندن صحیح مسلم توسط فیروزآبادی در سه مجلس و داستان خوانده شدن صحیح بخاری در پنج مجلس توسط قسطلانی را ذکر کرده می‌گوید: «و از جمله کسانی که در

سرعت از این قبیل بوده‌اند...»<sup>۱</sup> سپس به ذکر اخباری در زمینه سرعت در قرائت و مطالعه می‌پردازد.

محبی اما پس از ذکر شرح حال ابوبکر باعلوی شلی و سرعت قرائت او می‌گوید: «از برخی حافظان [حدیث] بیش از این نقل شده است...»<sup>۲</sup> و سپس به عرضه اخبار امامان در سرعت قرائت می‌پردازد.

قاسمی نیز فصلی را در کتابش «قواعد التحدیث» در باب نهم به این مساله مخصوص گردانده و می‌گوید: «ذکر ارباب همت جلیل در قرائت کتب حدیث در ایامی قلیل».<sup>۳</sup> آن‌گاه اخباری را در همین زمینه نقل می‌کند.

اما کتانی به نقل سخن ابن حمید - نویسنده السحب الوابله - درباره شیخ سنوسی و خواندن کتب حدیث توسط وی در روزهایی اندک سخن گفته و سپس در ادامه سخنش می‌گوید: «حال که سخن از سرعت قرائت و صبر بر شنیدن به میان آمد...»<sup>۴</sup> سپس قلم کتانی ما را به سیاحتی در داستان علما با سریع‌خوانی می‌برد.

اینجا برخی از نمونه‌هایی که در منابع پیشین و دیگر منابع آمده را نقل می‌کنم تا خواننده به نمونه‌هایی از سریع‌خوانی نزد سلف آگاهی یابد:

- خطیب بغدادی (متوفای ۴۶۳ هجری) در کتاب مشهورش «تاریخ بغداد» به شرح حال محدث اسماعیل حیری پرداخته. اسماعیل حیری سندی ویژه داشت به این صورت که ایشان در صحیح بخاری دارای سندی

۱- المقري، فتح المتعال في مدح النعال، تحقيق محمد إسماعيل، دار عياض (۵۲۷).

۲- المحبي، خلاصة الأثر في أعيان القرن الحادي عشر، تحقيق محمد إسماعيل، دار الكتب العلمية (۹۱/۱).

۳- القاسمي، قواعد التحدیث، تحقيق مصطفى شيخ، مؤسسة الرسالة (۴۵۲).

۴- الكتاني، فهرس الفهارس والأثبات، تحقيق إحسان عباس، دار الغرب (۱۰۴۴/۲).

عالی<sup>۱</sup> بود. او از کشمیهنی از فربری از بخاری روایت می‌کند. هنگامی که حیری خواست برای حج از نیشابور به مکه برود در راه سفر از بغداد گذشت اما به دلایلی مربوط به امنیت راه، کاروان حج از ادامه سفر باز ماند و تصمیم گرفت به نیشابور باز گردد. خطیب بغدادی این فرصت را غنیمت شمرد و صحیح بخاری را به طور کامل در مدت زمانی استثنائی نزد حیری خواند. خطیب بغدادی این داستان را خودش چنین روایت می‌کند:

«اسماعیل ضریر حیری از اهالی نیشابور، به سال چهارصد و بیست و سه برای حج به نزد ما آمد... از وی نوشتیم و از نظر فضل و علم نیکو شیخی بود. هنگامی که به بغداد رسید کتاب‌هایش را با خود آورده بود و قصد مجاورت مکه داشت. کتاب‌های ایشان بار یک شتر بود و از جمله آن‌ها کتاب «صحیح بخاری» بود که آن را از ابوالهیثم کشمیهنی از فربری شنیده بود. اما به سبب وضعیت بد راه (نا امنی) مقدر نشد که قافله حاجیان آن سال [به حج] رود و مردم برگشتند و ابراهیم نیز همراه آنان آهنگ بازگشت نمود. چند روز پیش از بازگشت ایشان از او درباره قرائت کتاب «صحیح» درخواست نمودم و او پذیرفت پس همه کتاب را در سه جلسه نزد او خواندم که دو جلسه آن در دو شب بود. من هنگام نماز مغرب قرائت را شروع می‌کردم و هنگام نماز صبح به پایان می‌رساندم. پیش از آن که جلسه سوم را شروع کنم شیخ همراه با قافله به قسمت شرقی [بغداد] رفت و در جزیره واقع در سوق یحیی اتراق کرد. پس همراه با گروهی از یارانم که در دو شب گذشته در قرائتم حاضر بودند به نزد او رفتیم و در جزیره از وقت چاشت تا

۱- هرچه سند یک محدث کوتاه‌تر باشد آن سند ارزش بیشتری دارد. سند کوتاه‌تر را

سند عالی می‌گویند. (مترجم).

نماز مغرب خواندم و سپس از مغرب تا طلوع فجر و کتاب را به پایان رساندم و شیخ صبح همان شب همراه با قافله رفت.<sup>۱</sup>

علما این واقعه را بازگو نموده و خبر آن را با اظهار شگفتی نقل کرده‌اند. انطور که این شگفت‌زدگی در گفتارشان آشکار است تا آنجا که ذهبی این داستان را در کتابش «سیر أعلام النبلاء» آورده و سپس می‌گوید: «این به خدا سوگند خواندنی است که سریع‌تر از آن شنیده نشده». <sup>۲</sup> همچنین ذهبی همین داستان را در کتاب دیگرش «تاریخ الإسلام» آورده و سپس می‌گوید: «و این چیزی است که کسی را در دورانمان نمی‌شناسم که توانش را داشته باشد». <sup>۳</sup>

ذهبی راست می‌گوید زیرا صحیح بخاری با چاپ و حروف معمولی در چهار جلد واقع می‌شود پس چگونه خطیب بغدادی توانسته آن را بر شیخ حیری در سه روز بخواند؟! این واقعه شاهدی است بر سرعت و شیوایی قرائت و شاهدهی است بر یک مساله دیگر که کم‌تر از آن نیست، یعنی تلاش و چابکی و تحمل و صبر بر مطالعه.

- دنبال کنندگان تاریخ فقه می‌دانند که بزرگ مالکیان در قرن ششم کسی نیست جز قاضی عیاض یحصبی (متوفای ۵۴۴ هجری) که جایگاهی بس والا نزد مالکیان دارد و در دوران ما نیز کنفرانس‌های بسیاری در بزرگداشت و شناخت ایشان برگزار می‌شود. قاضی عیاض کتابی دارد که بیشتر به یک معجم شیوخ (فرهنگ نام‌های شیوخ) می‌ماند. این کتاب بر روش محدثین نوشته شده و آن را «الغنیة» نام نهاده است. وی در این

۱- الخطیب البغدادي، تاریخ بغداد، تحقیق بشار عواد، دار الغرب (۳۱۷ / ۷).

۲- الذهبي، سیر أعلام النبلاء، إشراف شعيب الأرنؤوط، مؤسسة الرسالة (۲۸۰ / ۱۸).

۳- الذهبي، تاریخ الإسلام، تحقیق بشار عواد معروف، دار الغرب (۱۸۲ / ۱۹).

کتاب شیوخی را که از آنان حدیث شنیده با اندکی از اخبارشان آورده است و منبعی است بس با ارزش که مورخان پس از او به آن متکی‌اند. یکی از شیوخ قاضی عیاض که از او شنیده است و در این کتاب شرح حالش را ذکر کرده «ابن نخاس» نام دارد که درباره‌اش می‌گوید: «ابوالقاسم بن نخاس، بزرگ مقرئان در قرطبه... او «رسالة ابن ابی زید» را از طریق قرائت من بر ایشان برایم در یک مجلس در خانه‌اش در قرطبه تحدیث کرد».<sup>۱</sup>

رسالة ابن ابی زید (متوفای ۳۸۶ هجری) از مراجع اصلی در فقه مالکی است که در یک جلد چاپ شده است<sup>۲</sup> و شروح بسیاری از آن به چاپ رسیده. دقت کنید چگونه قاضی عیاض این کتاب را در یک مجلس بر شیخش خوانده است.

- هنگامی که حافظ ابوسعید سمعانی (متوفای ۵۶۲ هجری) به معرفی شیوخش در معجم معروفش می‌پردازد یادی از شیخش ابوالفتح ولوالجی کرده می‌گوید: «هنگامی که به سمرقند برگشتیم از او - یعنی شیخش ولوالجی - درخواست کردم روزی به نزد ما بیاید تا کتابش - یعنی کتاب شمائل ترمذی - را بر وی بخوانیم. او نیز آمد و همه کتاب را در یک مجلس نزد ایشان خواندیم».<sup>۳</sup>

کتاب شمائل ترمذی در یک جلد چاپ شده است و آنان یکجا شده و آن را در یک مجلس خوانده‌اند!

۱- القاضي عیاض، الغنیة، تحقیق ماهر جرار، دار الغرب (۱۴۷).

۲- ابن ابی زید، الرسالة الفقهیة همراه با حاشیه‌اش: غرر المقالة فی شرح غریب الرسالة للمغراوي، تحقیق د العادی حمو، دار الغریب.

۳- السمعانی، المنتخب من معجم الشیوخ، تحقیق د. موفق عبدالقادر، دانشگاه امام محمد بن سعود، چاپ اول ۱۴۱۷ هجری (۲/ ۱۰۶۳).



- همهٔ کسانی که شرح حال ابن تیمیه را نوشته‌اند - چه آن‌هایی که او را دیده‌اند و مستقیم از او شنیده‌اند و چه کسانی که از طبقهٔ پیشین روایت کرده‌اند - دربارهٔ دو ویژگی او شگفت‌زده‌اند: سرعت خواندن و سرعت نوشتن. ذهبی جزئیات شخصیت ابن تیمیه را به شکلی طولانی نگاشته است آنطور که گویا او را می‌بینی. در این وصف ذهبی از ابن تیمیه آمده است: «شیخ بسیار سریع می‌خواند».<sup>۱</sup>

ابن عبدالهادی دربارهٔ ابن تیمیه می‌گوید: «ایشان غیلانیات را در یک مجلس خواند».<sup>۲</sup> غیلانیات در یک جلد به چاپ رسیده<sup>۳</sup> که با چاپ جدید در ۳۵۰ صفحه واقع شده و شامل ۱۱۰۴ حدیث است و دارای عالی‌ترین (کوتاه‌ترین) سندهاست. می‌بینید که ابن تیمیه این کتاب را در یک جلسه خوانده است!

صفدی در وصف سرعت نوشتن ابن تیمیه می‌گوید: «قلمی داشت که از برق سبقت می‌گرفت. دربارهٔ یک مساله چنان‌که می‌خواست قلم می‌زد و دو دفتر یا سه دفتر را در یک مجلس می‌نوشت».<sup>۴</sup>

ابن رجب نمونه‌ای از کتاب‌هایی که ابن تیمیه به سرعت نوشته را ذکر کرده می‌گوید: «او «حمویه» را در یک مجلس نوشت که بیش از آن است و گاه در یک روز به اندازهٔ یک مجلد می‌نوشت».<sup>۵</sup>

۱- الذهبي، ذیل تاریخ الإسلام، تحقیق مازن باوزیر، دار المغني (۳۲۹).

۲- ابن عبدالهادي، طبقات علماء الحديث، تحقیق أكرم البلوشي، مؤسسة الرسالة (۴/۲۸۲).

۳- البزار، الغیلانیات، تحقیق: فاروق مرسی، دار أضاء السلف.

۴- الصفدي، أعيان العصر (۱/۲۳۵).

۵- ابن رجب، ذیل طبقات الحنابلة (۴/۵۰۱).

حمویه در یک جلد به چاپ رسیده که از مهم‌ترین کتب اصول در پژوهش عقیده اهل سنت است و غنی از برهان و نصوص، که بسیاری اوقات تدریس آن در مساجد حدود یک سال به طول می‌انجامد. ایشان رحمته این کتاب را در یک جلسه نوشته است.

- هنگامی که حافظ تقی الدین ابن فهد بر ذیل تذکره ذهبی و ذیل آن از حسینی تذکره نوشت ضمن آن به شرح حال حافظ ابوالفضل عراقی (متوفای ۸۰۶ هجری) و سفرهای ایشان برای سماع حدیث می‌پردازد و حالاتی را بیان می‌کند که شاهدهی است بر سرعت خواندن حافظ عراقی رحمته از جمله آنجا که می‌گوید:

«ابن خباز، محمد بن اسماعیل که حافظ عراقی صحیح مسلم را در شش جلسه متوالی بر وی خواند و در جلسه پایانی بیش از یک سوم کتاب را قرائت کرد و این در حضور حافظ زین الدین ابن رجب بود که قرائت او را بر نسخه خودش عرضه می‌کرد».<sup>۱</sup>

همین‌طور در شرح حال فیروزآبادی (متوفای ۸۱۷ هجری) صاحب «قاموس» آمده که ایشان صحیح مسلم را در دمشق بر ناصرالدین بن جهبل در سه روز خوانده است.<sup>۲</sup>

۱- ابن فهد، لحظ الألیاظ بذیل طبقات الحفاظ، چاپ شده همراه با ذیل تذکره الحفاظ حسینی، دار الکتب العلمیة (۲۲۳). مقایسه کنید با قواعد التحدیث تهانوی (۴۵۳) و فهرس الفهارس کتانی (۱۰۴۸/۲).

۲- السخاوی، الضوء اللامع، دار الجیل (۸۰/۱۰) نکا: أزهار الریاض للمقري (۴۸/۳) و شذرات الذهب لابن العماد (۱۹۲/۹).

صحیح مسلم - چنان که خوانندگان محترم آگاهند - در چاپ‌های جدید در چهار جلد عادی واقع شده است. ببینید چگونه آن‌ها این چهار جلد را در سه روز به شکل ضابطه‌مند و با صدای قابل شنیدن - نه زیر لب - خوانده‌اند! مقری نیز این داستان را با اظهار شگفتی نقل نموده در صدر آن می‌گوید: «از جمله شگفتی‌ها افتخاری است که خداوند به مولف قاموس عطا کرده است...» سپس به نقل داستان پیشین می‌پردازد و پس از پایان داستان می‌گوید: «پاک و منزه است آن که فضل خود را به هر کس بخواهد عطا می‌کند».<sup>۱</sup>

- در یکی از مهم‌ترین کتب شرح حال یعنی کتاب حافظ سخاوی به نام «الجواهر والدرر فی ترجمه شیخ الإسلام ابن حجر»، حافظ سخاوی احوال علمی به غایت نادر و شگفت‌آوری را درباره شیخ حافظ ابن حجر (متوفای ۸۵۲ هجری) نقل کرده است از جمله دستاوردهای علمی ابن حجر در اثنای سفرهایی که به قوص و اسکندریه و حجاز و یمن و شام داشته و مطالعات و مولفات و تعلیقات ایشان در حین سفر که حاوی فهرست شگفت‌انگیزی از کارهای علمی است. سپس سخاوی در تفسیر این قدرت استثنایی می‌گوید:

«برای این دستاوردها، مجموعه‌ای از موهبت‌ها که خداوند برای ایشان آسان ساخته بود وی را یاری رسانده است؛ موهبت‌هایی که کمتر در یک شخص جمع می‌شود از جمله: سرعت خوب مطالعه، زیرا ایشان سنن ابن ماجه را در چهار مجلس و صحیح مسلم را در مدرسه منکوتمریه بر شرف ابوطاهر ربعی در چهار مجلس به جز مجلس ختم در دو روز و اندی خوانده

۱- المقری، أزهار الرياض في أخبار القاضي عياض، تحقيق مصطفى السقا وهماكاران، چاپخانه فضاله (۳/ ۴۸).

است که جلسه خواندن از اول روز تا ظهر بود و آنچه برای صاحب این شرح حال - یعنی ابن حجر - در خواندن صحیح مسلم پیش آمد با ارزش تر از چیزی است که برای شیخ مجد لغوی صاحب قاموس اتفاق افتاده و همین طور ایشان کتاب نسائی کبیر را بر همین شرف ابوطاهر در ده مجلس خواند که هر مجلس حدود چهار ساعت به طول انجامید و سریع ترین چیزی که در قرائت برای او اتفاق افتاد این است که ایشان در سفر به شام معجم صغیر طبرانی را در یک مجلس در بین نماز ظهر و عصر خواند که این کتاب در یک مجلد و حاوی حدود هزار و پانصد حدیث است و از کتب بزرگی که وی در مدتی لطیف آن را خوانده، صحیح بخاری است که گروهی آن را با لفظ او در خانقاه بیبرسیه در ده مجلس تحدیث کرده اند و هر مجلس آن چهار ساعت به طول انجامید...»<sup>۱</sup>

- از مشهورترین شروح صحیح بخاری، شرح علامه شهاب الدین قسطلانی (متوفای ۹۲۳ هجری) است که ایشان به ضبط لفظ و معنای کلمات به اختصار توجه نشان داده است و دارای امتیاز با ارزشی است که خواننده خود را بر دانستن نام رجال حدیث و ضبط صحیح آن عادت می دهد زیرا ایشان در هر موضعی که نام راویان تکرار می شود توضیح نحوه صحیح قرائت نام را تکرار می کند و در نتیجه خواننده پس از خواندن این کتاب رجال بخاری را مانند مردم محله اش خواهد شناخت! البته شاید خواننده از تدقیق قسطلانی درباره اختلاف برخی الفاظ که تاثیری در نسخه ها و روایات صحیح مانند ابوذر و اصیلی و ابوالوقت و کشمیهنی و حموی و مستملی و ابن عساکر و مانند آن ندارد و در شرح خود به ذکر آن

---

۱- السخاوی، الجواهر والدرر فی ترجمه شیخ الإسلام ابن حجر، تحقیق: ابراهیم عبدالمجید، دار ابن حزم (۱۶۱ - ۱۶۳) به اختصار؛ مقایسه کنید با ذیل ابن فهد (۳۳۶).

می‌پردازد دچار خستگی شود. اما دربارهٔ اختلاف الفاظ تاثیرگذار بدون شک این یکی از اصول علم نافع است و در هر صورت مراد ما این است که قسطلانی وقتی این شرح خود را آغاز می‌کند و به نخستین باب صحیح بخاری یعنی باب «چگونگی آغاز وحی به رسول الله ﷺ» می‌رسد می‌گوید: «این را و آنچه پیش‌تر از آغاز کتاب بود تا پایان صحیح را شیخ مُسْنِد، سفرکنندهٔ به آفاق، ابوالعباس احمد بن عبدالقادر که سنش از نود سال گذشته با قرائت پی در پی من از همهٔ این جامع (صحیح بخاری) بر ایشان در پنج مجلس و اندی در پایان روز یکشنبه هجدهم شوال سال ۸۸۲ هجری به ما بیان کرد همراه با آنچه برای کسانی که مدتی غایب بودند تکرار شد که گمان می‌کنم در حدود ده باشد... او گفت: اخبرنا ابوالحسن...»<sup>۱</sup>

سپس قسطلانی آغاز به عرضهٔ سندهای خود تا محمد بن اسماعیل

بخاری صاحب صحیح و از وی تا رسول الله ﷺ می‌کند.

در حقیقت وقتی من این خبر را که قسطلانی دربارهٔ خودش و شیخش نقل کرده خواندم، حیران شدم که آیا از سرعت قرائت قسطلانی تعجب کنم یا از شیخش ابوالعباس که نود سال داشت و استخوانش از کهولت سن سست شده اما با این وجود تلاش می‌کند و برای مجالس طولانی سماع حدیث شوق دارد و همهٔ صحیح بخاری را در پنج مجلس ختم می‌کند و این چیزی است که جوانان در اوج قدرت و نشاط انجام نمی‌دهند مگر با کسالت و آه و ناله... خداوند از او خشنود باشد.

- از دیگر علمایی که نزد قسطلانی خوانده‌اند، علامهٔ شام در زمانه‌اش، بدرالدین الغزی (متوفای ۹۸۴ هجری) است که مواضع وی در گفتن حق

۱- القسطلانی، إرشاد الساری إلى شرح صحیح البخاری، وبهامشه مسلم مع شرح النووی، المطبعة الكبرى الأمیریة بیولاق، چاپ هفتم (۱/۴۹).

نزد والیان ظالم در شرح حال ایشان نقل شده است. بدرالدین غزی فرزندى داشت که او نیز از علما بود به نام نجم الدین غزی صاحب کتاب تاریخی مشهور «الکواکب السائرة بأعیان المائة العاشرة» که این کتاب مملو از اخبار پدر ایشان و کسانی است که با او رابطه داشته‌اند و از جمله کسانی که شرح حالشان در این کتاب آمده، شاگرد پدر او «برهان الدین البقاعی» است. وی از او و پدرش دو خبر جالب دربارهٔ سرعت خواندن آورده و می‌گوید:

«برهان الدین بقاعی، وی بر پدرم شیخ الاسلام، اصول و عربی خوانده و بسیار در دروس ایشان حاضر بوده و بخاری را به طور کامل در شش روز بر وی قرائت کرده است که آغاز آن در روز شنبه بیست و یکم رمضان بود و همچنین صحیح مسلم را به طور کامل در رمضان سال سی و یک (یعنی ۹۳۱) در پنج روز متفرق خوانده است».<sup>۱</sup>

قابل ملاحظه این است که بقاعی و شیخ بدر غزی ماه رمضان را برای خواندن صحیحین برگزیده‌اند و بخاری را در شش روز و مسلم را در پنج روز خوانده‌اند!

- محبى حنفى در کتابى که در آن به بیان شرح حال بزرگان قرن یازدهم پرداخته، به شرح حال ابوبکر باعلوی الشلی (متوفای ۱۰۵۳ هجری) پرداخته می‌گوید: «او بسیار کتاب می‌خواند و تلاش و صبری عجیب در این کار به خرج می‌داد و چه بسا یک مجلد بزرگ را در یک روز یا یک شب به پایان می‌رساند و گفته می‌شود که احیا را در ده روز خوانده که این برای

---

۱- الغزى، الکواکب السائرة بأعیان المائة العاشرة، وضع حواشیه خلیل المنصور، دار الکتب العلمیة (۲/ ۷۶).

مردم زمانه ما عجیب است».<sup>۱</sup>

منظور از احیاء همان «احیاء علوم الدین» ابوحامد غزالی است که در پنج جلد به چاپ رسیده و این یعنی او هر روز نیم جلد را می‌خواند و هر دو روز یک جلد را به پایان می‌رسانده!

- حافظ محدث لغوی، مرتضی الزبیدی (متوفای ۱۲۰۵ هجری) صاحب دو کتاب دایرة المعارف گونه شهیر «تاج العروس شرح القاموس» و «شرح احیاء علوم الدین»، معجمی دارد که در آن شیوخ خود و کسانی که از آنها روایت کرده را بنا بر عادت محدثان جمع‌آوری نموده و آن را «المعجم المختص» نامیده است، اما با این تفاوت که کمی کارش را وسیع‌تر ساخته و نام شاگردانش که از او روایت کرده‌اند را نیز آورده است و از آنجایی که زبیدی در نیمه دوم قرن دوازدهم (۱۱۴۵ تا ۱۲۰۵ هجری) زندگی کرده، کتاب او منبعی است سرشار از شرح حال و تاریخ این مرحله که کارهای شرح‌حالی در آن دچار ضعف شده بود، تا جایی که جبرتی - شاگرد زبیدی - در تاریخ مشهورش همه کتاب شیخش را بلعیده و آورده است، آنطور که کتانی می‌گوید: «جبرتی معجم زبیدی را کاملاً خورده است»<sup>۲</sup>! مختصر آن‌که، از جمله کسانی که زبیدی شرح حالشان را در کتابش آورده شاگرد ملازمش ابوالحسن علی بن احمد علوی توفادی است و زبیدی درباره او مورد عجیبی را درباره سرعت خواندن آورده و می‌گوید:

«او «صحیح» را در دوازده مجلس در رمضان سال ۱۱۸۸ هجری در منزل من واقع در سویقه المظفر خواند سپس «صحیح» را باری دیگر همراه

۱- المحبی، خلاصة الأثر فی أعیان القرن الحادی عشر، تحقیق محمد إسماعیل، دار الکتب العلمیة (۹۱/۱).

۲- الکتانی، فهرس الفهارس (۶۲۳/۲).

با جماعتی به نوبت در چهار مجلس بر من تسمیع نمود و مدت زمان قرائت از طلوع خورشید تا بعد از عصر هر روز بود و [همچنین] صحیح مسلم را به نوبت در منزل من در خان الصاغه...»<sup>۱</sup>.

به پایان رساندن این مجلدات چهارگانه در چهار مجلس و در شش مجلس و برگزار کردن این قرائت دسته جمعی از طلوع خورشید تا عصر یعنی عملاً حداقل ده ساعت متوالی، تأکیدی است دوباره بر همان دو عنصری که قبلاً به آن اشاره کردیم: مطالعه شیوا و روان به اضافه خستگی ناپذیری.

- برخی از اخبار پیشین را شیخ علامه جمال الدین قاسمی (متوفای ۱۳۳۲ هجری) در فصلی که به همین دلیل در کتابش درباره مصطلح الحدیث آورده ذکر کرده، چنان که قبلاً اشاره شد، آن گاه پس از پایان ذکر این اخبار به ذکر داستانی درباره خودش پرداخته می گوید:

«این بنده ضعیف - جامع این کتاب - را خداوند از منت و فضلش ارزانی داشته و صحیح مسلم را روایتا و درایتا در مجالسی چهل روزه که پایانش در ۲۸ ماه صفر الخیر سال ۱۳۱۶ هجری بود تسمیع نمودم و همین طور سنن ابن ماجه را در مجالسی که بیست یک روز به طول انجامید و پایانش در ۲۲ ماه ربیع الاول سال ۱۳۱۶ بود و همچنین موطا را در مجالسی نوزده روزه که آخرینش در پانزدهم ماه ربیع الآخر سال ۱۳۱۶ هجری بود و خودم برای خودم «تقریب التهذیب» حافظ ابن حجر را همراه با تصحیح خطاهای نوشتاری و ضبط و حاشیه نویسی بر آن از نسخه ای بسیار تصحیح شده در چند مجلس به مدت ده روز مطالعه کردم که پایانش در ۱۸ ماه ذی الحجه سال ۱۳۱۵ هجری بود. می گویم: این کتابها را به دنبال یکدیگر خواندم و

۱- الزییدی، المعجم المختص، تحقیق نظام یعقوبی و محمد العجمی، دار البشائر (۵۳۲).



خود و چشمانم را خسته کردم تا آن که در پی آن چشمانم دچار بیماری شد و خداوند به فضل خود شفایم داد و ترسیدم دوباره چنین کاری را تکرار کنم و دانستم که خیر در اعتدال است. آری انکار نمی‌کنم که برخی انسان‌ها به سبب قدرت حواس از این شکل مطالعه زیان نمی‌بینند اما انسان به نفس خود بیناتر و آگاه‌تر است»<sup>۱</sup>.

- شیخ عبدالحی الکتانی (متوفای ۱۳۸۲) نیز همین کار قاسمی را انجام داده و پس از ذکر تعدادی از اخبار پیشین به نقل داستانی درباره خود می‌پردازد:

«جامع این مطالب پراکنده - محمد عبدالحی الکتانی - صحیح بخاری را به شکل تدریس در عنزه قرویین، به همراه تحقیق و تدقیق در حدود پنجاه مجلس به پایان رسانده که در این بین هیچ مطلب شاذ و نادری را که به ابواب آن و محل شاهد مربوط است از دست نداده است، همراه با دیگر موارد از جمله نکات جدید و چه بسا این عجیب‌تر و غریب‌تر از هر آنچه پیش‌تر بوده باشد و الله خالق نیروها و توان‌ها است»<sup>۲</sup>.

اخبار و داستان‌های سلف درباره این تکنیک از تکنیک‌های مطالعه بسیار است و هدف من ذکر همه این موارد نبود بلکه تنها ذکر نمونه‌هایی برگزیده از قرون گوناگون اسلام بود تا تأکیدی باشد برای حضور روش «سریع‌خوانی» میان اهل علم و بیان اینکه این تکنیکی جدید و اختراع معاصران نیست.

یک بار سخنرانی دعوتگر آمریکایی حمزه یوسف را تحت عنوان «چگونه یک کتاب را بخوانی؟» گوش می‌دادم و توجهم به کتابی با همین عنوان از

۱- القاسمی، قواعد التحذیث، تحقیق مصطفی شیخ، مؤسسة الرسالة (۴۵۴).

۲- الکتانی، فهرس الفهارس، تحقیق إحسان عباس، دار الغرب (۱۰۴۹/۲).

اندیشمند آمریکایی، مورتیمر آدلر (Mortimer Adler) جلب شد. حمزه یوسف اشاره کرد که سخنرانی‌اش را از این کتاب برگرفته و گفت که خودش نزد مولف این کتاب درس خوانده و ایشان دوست پدر اوست و همچنان به ذکر ارزش این کتاب پرداخت. وقتی به جستجوی کتاب برآمدم متوجه شدم که توسط طلال الحمصی به عربی نیز ترجمه شده و توسط «الدار العربیة للعلوم» تحت همین عنوان منتشر شده است. مولف در این کتاب به بیان اهمیت پیش مطالعه استکشافی سریع یک کتاب پرداخته است.

همچنین مولف میان ورق زدن بی‌نظم و منظم تفاوت قائل شده و بیان داشته که هدف از ورق زدن منظم رسیدن به پاسخ این سوال است که: این کتاب در جستجوی چیست، بنیه و اجزای کتاب مورد نظر چیست؟ وی به اهمیت این پیش‌مطالعه اولیه اشاره کرده و می‌گوید:

«بیشتر افراد و حتی بسیاری از کتاب‌خوان‌های خوب به اهمیت این نحوه ورق زدن آگاه نیستند. آنان از صفحه اول آغاز کرده و با جدیت تا آخر کتاب پیش می‌روند، بدون آن‌که فهرست را بخوانند. آنان در این حالت با رسیدن به هدف شناخت سطحی [و کلی] از کتاب روبرو هستند و در عین حال سعی در فهمیدن آن نیز دارند و همین باعث سخت‌تر شدن کتاب می‌شود».<sup>۱</sup>

وی در فصل چهار کتاب، راهنمایی‌ها و روش‌هایی را برای این نوع خوانش (ورق زدن سریع) بیان کرده است.<sup>۲</sup>

یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که به ذهن برخی از خوانندگان می‌رسد این است که: در صورت خواندن سریع ترس این را داریم که متوجه کتاب نشویم!

۱ - مورتیمر آدلر، کیف تقرأ کتابا؟ ترجمة الحمصی، الدار العربیة للعلوم (۳۳).

۲ - پیشین (۴۷).

اما این حرف اصلا دقیق نیست. بسیاری از مردم تصور می‌کنند آرام خواندن همیشه برای فهمیدن بهتر است، اما این تا حدی صحیح است نه کاملا؛ بلکه سطحی از فهم وجود دارد که تنها با قرائت سریع امکان پذیر است و آن «تصور کلی از کتاب» است! اگر به کسی بگویی با خواندن آرام کتاب چیزهای مهمی از کتاب را از دست خواهی داد شاید تعجب کند، اما این چیزی است که با تجربه ثابت شده است و صاحب نظرانی چند به آن اشاره کرده‌اند از جمله ریاضی‌دان و فیزیک‌دان معروف فرانسوی، پاسکال (متوفای ۱۶۶۲ میلادی) که در رساله‌ای کوچک حاوی برخی تاملاتش می‌گوید:

«هنگامی که خیلی سریع یا خیلی آرام مطالعه می‌کنیم، چیزی نمی‌فهمیم».<sup>۱</sup>

در حقیقت خواندن با سرعت خیلی بالا باعث عدم فهم می‌شود و این معروف و منتشر است، اما اینکه خواندن با سرعت خیلی کم هم به عدم فهم بینجامد؛ این برای بسیاری از علاقمندان به مطالعه و اطلاع چیز عجیب و غریبی به نظر می‌آید!

تجربه ثابت کرده که تصور کلی از کتاب نه در خود «مفردات» یک کتاب بلکه در «روابط» بین مفردات آن است و این روابط در ذهن شکل نمی‌گیرد مگر هنگامی که به سرعت به یکدیگر وصل شود، اما اگر بین آن‌ها فاصله زمانی بیفتد ذهن انسان در یافتن آن دچار سردرگمی می‌شود.

در هر صورت، هدف از این فصل عرضه و معرفی یک روش خاص از قرائت است که علما به شکل گسترده و فشرده‌ای از آن استفاده کرده‌اند و سپس بعدها دانشمندان و اندیشمندان غربی نیز به آن اشاره کرده‌اند و

هدف از آن مشارکت در بنای معرفت و علم در جامعهٔ مسلمان است. تصور کن اگر یک طالب علم تصمیم بگیرد متون طولانی اسلام مانند کتب شش‌گانه و تفسیر طبری و تفسیر قرطبی و تمهید ابن عبدالبر و فتح الباری ابن حجر و مغنی ابن قدامه و نه‌ایة المطلب جوینی و مجموع فتاوی ابن تیمیه و تاریخ اسلام ذهبی را در مدتی طولانی به روش سریع‌خوانی مطالعه کند، چه مقدار از تصورات کلی شرعی و محل مورد نظر برای جستجوی مسائل خاص و چارچوب هر فن و محل‌های اتفاق و اختلاف را خواهد شناخت؟!

و مگر عمر یک انسان به او اجازه می‌دهد به مطالعهٔ این همه کتاب پردازد مگر آن‌که به روش قرائت «جَرد» یا سریع‌خوانی باشد؟ یعنی همان روشی که سلف پیاده می‌کردند.

عمرها کوتاه است و تالیفات بزرگ اسلام بسیار بلند، حال آن‌که لذت‌بخش‌ترین خوشی‌های دنیا در همین کتب پنهان است و می‌ترسم اوقات جوانان اسلام که همهٔ امید به آنان است توسط شبکه‌های اجتماعی بلعیده شود حال آن‌که علم و شناخت و فرهنگ، بازوی یاری‌گر دعوت است.

ارائه شده توسط:

